

✍ سرمقاله

# حمایتی دلو!پسانه

✍ خط قرمز، آن مواردی است که کوتاه آمدن از آن به هیچ وجه جایز نیست و هر توافقی که آنها را تأمین نکند، از پیش رد شده است. اما تاکنون برای هیچ تیم مذاکراتی ای از طرف حضرت آقا، **خط قرمز** تعیین نشده بود! آن هم چه خطوط قرمزی:

۱- «حرکت علمی هسته ای، به هیچ وجه نباید **متوقف** و یا حتی **کند** شود.

۲-مذاکره کنندگان ایران، باید بر ادامه **تحقیق و توسعه** و پیشرفت هسته ای **پافشاری کنند**.

۳-کسی حق معامله بر روی **دستاوردهای هسته ای** را ندارد.

۴-مسئولان باید در مورد دستاوردهای هسته‌ای **تعصب** داشته باشند.

۵-مذاکره کنندگان کشورمان نباید هیچ **حرف زوری** را از طرف مقابل قبول کنند.

۶-روابط آژانس بین المللی انرژی اتمی با ایران نیز باید **روابط متعارف و غیرفوق العاده** باشد. ۹۳/۱/۲۰»

خط قرمز اول که دیگر برای دولت باسوادها، گفتن ندارد! آیا استفاده از لفظ«پافشاری بر پیشرفت» در مقابل «کوتاه آمدن» نیست؟! موارد۳تا۶ را هم که هر کودکی -که البته فقط کمی ضعیف النفس نباشد- می داند که باید رعایت کند.

اصلا بیان خطوط قرمز، آن هم در عموم مردم چه دلیلی می‌تواند داشته باشد؛ اگر نسبت به رعایت آنها از طرف دولت، نگرانی ای وجود نداشته باشد! اگر تیمی خوش سابقه(!) و متوجه منافع ملی با اتکاء به ساخت درونی نظام داشته باشیم!

آیا بیان خطوط قرمز، به معنی جلوگیری از عقب نشینی تیم مذاکراتی نیست! کما اینکه هم در توافقنامه ژنو ۶ماه پیش و هم بسته پیشنهادی ای که اکنون دیپلمات‌های غربی (مانند وندی شرمِن) از آن خبر داده اند، تیم مذاکره‌کننده کشورمان از این خطوط قرمز عدول کرده است!!!

دیگر اعلام عمومی عدد دقیق ۱۹۰ هزار سو، در حفظ ظرفیت غنی‌سازی -آن هم پس از آن‌که این خط قرمز بارها به صورت خصوصی به تیم مذاکره‌کننده اعلام و ابلاغ شده بود- چه معنایی دارد؟! رهبری که به فرموده خودشان، بنایشان بر **عدم ورود به جزئیات مذاکرات هسته ای** است.

بیان اعداد و ارقام در موضوعی فنی و مشخص کردن حد و مرزهای مذاکرات هسته‌ای با واحد فنی سو (SWU) از جانب رهبر انقلاب -که **معمولاً در جلسات عمومی و در مسائل مختلف، سیاست‌های کلان و راهبردهای اساسی را بیان می‌دارند** -، برای مخاطبانی که با مشی رهبری آشنایی دارند، امری عجیب و غیرمعمول به نظر می‌رسد؛ اما برای کسانی که مذاکرات هسته‌ای را از نزدیک دنبال می‌کنند و از بسته پیشنهادی تیم مذاکره‌کننده کشورمان به ۵+۱ و کوتاه آمدن‌های آن‌ها از خطوط قرمز نظام -و در واقع منافع ملت- مطلع هستند، امری معنادار و بسیار مهم تلقی می‌شود که **مذاکرات هسته‌ای را وارد فاز جدیدی کرد، و مانعی بزرگ در مسیر تحمیل توافقی ضعیف و ناقض منافع ملت و البته فتح‌الفتوح نشان دادن آن** -با لفاظی‌های **خلافِ واقع** - ایجاد نمود.



بگذریم از اینکه آقای ظریف در آخرین اظهار نظراتشان از وین، خود را بعنوان داور بی طرف دعوا قلمداد کرده، و فرموده اند:«**اگر طرفین به جای تعیین خطوط قرمز باهم تلاش کنند به نتیجه می رسیم**». گویا جناب ظریف در میانه ی میدان ایستاده و دارد به دو طرف که در مذاکرات بر خطوط قرمز تاکید می کنند، نصیحت می کند. (و شاید اگر رویش می شد؛ از لفظ **«تندروهای دو طرف»** هم استفاده می کرد!!)

یک جوانمرد پیدا نمی شود بگوید، حالا که تیم آمریکایی بیست نفره وارد مذاکرات می شوند و متن توافقنامه ها را از چند ماه قبل با کارشناسی ۴۰۰ نفر، به امضای او‌باما می رسانند؛ **لااقل شما هم اجازه دهید یک نفر بعنوان نماینده ایران به مذاکرات برود! نه فقط سه نفر داور!**!! نه اینکه رهبرمان مجبور شود، به تنهایی جلوی زیاده خواهی های شیطان بزرگ را بگیرد و البته جلوی کوتاه آمدن های پپایی شما جهت اعتمادسازی را هم !!

این **بی طرف نمایی ها**، ما را به یاد رفتار نخبگانی بی بصیرت، در فتنه ۸۸ می اندازد... همانهایی که دعوا را بین دو طرف داخلی تلقی کرده و با خود قاضی پنداری، سعی در آرام کردن وضعیت و نشان دادن خود بعنوان صلح کل داشتند... مظلوم، اما رهبری است که مجبور است از فرزندان خود-ولو ضعیف و مشتاق غرب باشند- حمایت کند تا نکند، ضرر بزرگتری به نظام وارد شود؛ که نکند شکست مذاکرات را به گردن رهبری بیاندازند لذا باید پشتوانه ای گرم، بروند و آزمون و خطا کنند.حمایتی که از کلکسیون جناب خاتمی هم می شد، حمایتی که امام هم از بنی‌صدر، کم نکرد...

مظلوم سید علی....

# با این همه اختلاف...

گزارشی مختصر از اختلافات موجود بین ایران و ۵+۱

علی رغم اختلافات گسترده‌ای که در مذاکرات وجود داشت وزیر امور خارجه در اظهاراتی خوش‌بینانه مدعی شد بهتر از الان نمی‌توان بحران غیرضروری هسته‌ای را خاتمه داد.
همچنین رئیس جمهور بیان کرد: «ما هم جدی هستیم و هم معتقدیم تا پایان تیرماه این موضوع قابل حل و فصل است.»
پرسشی که از سوی هیئت مذاکره‌کننده ایران همچنان بدون پاسخ باقی مانده است این است که با وجود اختلافات گسترده چگونه ممکن بود به توافقی جامع رسید؟!

اما امروز با توجه به خطوط قرمز هوشمندانه ای که رهبر معظم انقلاب، برای این دور از مذاکرات تعیین فرموده بودند، و هوشیاری و مطالبات مردم، فعلا مجبور به تن دادن به توافقی ضعیف نشدیم.

مهمترین محورهای مباحثات و مطالبات مذاکره‌کنندگان و مسائل اختلافی، در ۷ مورد زیر خلاصه می‌شود

۱. **تعداد، نوع و نسل سانتریفیوژها:**

امریکا در مذاکرات وین ۴ گفته است که فقط می‌تواند ۵۰۰ ماشین را بپذیرد این در حالی است که نیروگاه بوشهر سالانه ۳۰ تن دی اکسید اورانیوم ۵ درصد مصرف می‌کند و برای تأمین سوخت آن، ایران باید ۵۴۰۰۰ ماشین سانتریفیوژ نوع اول را به طور کامل راه اندازی کند.
ایران در مذاکرات تأکید کرده است اصراری به استفاده از نوع خاصی از ماشین‌ها ندارد ولی تعداد و نوع ماشین‌ها باید به اندازه‌ای باشد که در مجموع ایران بتواند ۱۲۰ هزار سو (SWU) غنی سازی لازم برای تأمین سوخت راکتور بوشهر را انجام بدهد.

۲. **غنی سازی:**

پیشنهاد طرف غربی از ابتدا این بوده که جمهوری اسلامی ایران به سوخت ۲۰ درصد نیازی ندارد. غربی‌ها معتقدند فقط برای راکتور تهران سوخت ۲۰ درصد نیاز است و باقی سایت‌ها به سوخت ۳۰۵ درصد نیاز دارند و اعلام آمادگی کرده‌اند اگر جمهوری اسلامی به سوخت ۲۰ درصد نیاز داشته باشد، تأمین کنند. **اما اکنون بحث غربی‌ها این است که جمهوری اسلامی ایران اصلاً نیازی ندارد که غنی‌سازی بیش از ۳۰۵ درصد داشته باشد و می‌گویند حتی میزان ذخیره این غنی‌سازی را نیز ما باید تشخیص بدهیم.**

۳. **راکتور اراک:**

**در مذاکرات وین ۴ امریکایی‌ها دوباره مسئله تبدیل شدن این راکتور به یک راکتور آب سبک را مطرح کرده‌اند.**
جالب است که دولت امریکا چندی پیش خود برای بازطراحی قلب راکتور به منظور کاهش ظرفیت تولید پلوتونیوم آن پیش قدم شده و طرحی به ایران ارائه کرده بود.

۴. **سوخت رآکتور بوشهر:**

خبرگزاری رویترز در گزارشی اختلاف اصلی در مذاکرات را بر سر خواسته‌ی ایران مبنی بر ادامه‌ی تولید سوخت هسته‌ای برای رآکتور اتمی بوشهر دانست و اظهار کرد دیپلمات‌های غربی می‌گویند بعید به نظر می‌رسد که کشورهای مذاکره‌کننده با این خواسته ایران موافقت کنند.

۵. **تحقیق و توسعه:**

غربی‌ها مایلند برنامه تحقیق و توسعه در ایران عملاً تعطیل شود و ماشین‌های ایران از نسل اول فراتر نرود. این در حالی است که برنامه تحقیق و توسعه جزو امتیازهای جدا ناشدنی، پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است و کشورهای عضو این پیمان حق داشتن چنین برنامه‌ای را دارند. **دلایل**

نگرانی غربی‌ها درباره برنامه تحقیق و توسعه مکان این برنامه است. چرا که طبق نظر غربی‌ها جمهوری اسلامی ایران خواستار پیگیری این برنامه در فردو است، تأسیساتی در زیرزمین که دستیابی به آن برای سایرین آسان نیست.

۶. **برنامه نظامی ایران:**

درباره مسئله موشک‌ها (PMD) نیز اختلافات دوباره و به شدت احیا شده است. منابع مطلع می‌گویند امریکا در مذاکرات وین ۴ بر ضرورت بحث درباره برد و ظرفیت موشکی ایران اصراری متفاوت از گذشته کرده است.

۷. **سرعت و دامنه‌ی رفع تحریم‌ها:**

جمهوری اسلامی ایران نمی‌خواهد محدودیت‌های هسته‌ای بلند مدت را بدون اطمینان از اینکه لغو تحریم‌ها دائمی باشد، بپذیرد. البته، لغو تحریم‌ها نیازمند اقدام از جانب **کنگره‌ی ایالات متحده خواهد بود که ظاهراً بر اساس جو سیاسی کنونی در واشنگتن امکان‌پذیر نیست، بالاخص اگر توافق هسته‌ای به ایران اجازه دهد که حتی یک ظرفیت کوچک غنی‌سازی را حفظ کند.** علاوه بر این، تحریم‌های آمریکا علیه ایران **آمیزه‌ای از تعداد زیادی قانون مختلف است که تحریم‌های هسته‌ای را با تحریم‌های دیگر مرتبط با تروریسم یا حقوق بشر ادغام می‌کند و یک تحریم انحصاراً هسته‌ای در قانون آمریکا وجود ندارد.** تقریباً تمام تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران با پیشبرد برنامه موشکی، تشدید پشتیبانی از تروریسم بین‌المللی، و دیگر برنامه تسلیحات غیرمتعارف نیز ارتباط دارند.طبق اظهارات مقامات آمریکایی گزینه رفع تحریم‌ها مطرح نیست و صرفاً تخفیف تحریم‌ها را می‌توان در مذاکرات انتظار داشت. / منبع: سایت 1-20.i۲

### رهبری در جزئیات مذاکرات دخالت نمی‌کند

بنده اصرار دارم بر حمایت از مسئولانی که اجرای کار برعهده‌شان است، از همه‌ی دولت‌ها بنده حمایت میکنم، از مسئولان داخلی، مسئولان خارجی – حمایت میکنم و وظیفه‌ی ما است. من خودم مسئول اجرایی بوده‌ام، وسط میدان بوده‌ام، سنگینی کار و سختی کار را با همه‌ی وجود احساس کرده‌ام؛ میدانم که کار اداره‌ی کشور کار سختی است. لذا این‌ها به کمک احتیاج دارند، من هم کمکشان می‌کنم، حمایتشان می‌کنم؛ این یک طرف قضیهٔ است که قطعی است. از آن طرف اصرار دارم بر تثبیت حقوق ملت ایران، از جمله مسئله‌ی حقوق هسته‌ای؛ اصرار داریم بر اینکه از حقوق ملت ایران یک قدم عقب‌نشینی نباید بشود. ما البته در جزئیات این مذاکرات مداخله نمی‌کنیم؛ یک خطوط قرمزی وجود دارد، یک حدودی وجود دارد، این حدود باید رعایت بشود؛ این را گفتیم به مسئولین و موظفند که این حدود را رعایت کنند؛ از هارت‌وهورت دشمنان و مخالفان هم واهمه‌ای نداشته باشند و ترسی به خودشان راه ندهند.

بیانات در دیدار ۵۰ هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۹۲/۸/۲۹

### به تب راضی شویم؟

طرف مقابل به مرگ گرفته که به تب راضی بشوید. هدف آنها این است که جمهوری اسلامی را در باب ظرفیت غنی‌سازی مثلاً - که یکی از مسائل است - به ده هزار سو راضی کنند، منتها از پانصد سو و هزار سو شروع کرده‌اند، که حدود ده هزار سو مثلاً محصول حدود ده هزار سانتریفیوژ - همین قدیمی‌هایی که از قبل داشتیم و داریم - است. هدف آنها این است. مسئولین ما می‌گویند ما به ۱۹۰۰۰۰ سو احتیاج داریم. ممکن است این نیاز مال امسال و دو سال دیگر و پنج سال دیگر نباشد، اما این نیاز قطعی کشور است، خوب، باید نیاز کشور تأمین بشود.

بیانات در دیدار مسئولین نظام ۹۳/۴/۱۶

### برخی از خطوط قرمز

ما به تیم مذاکره‌کننده‌مان اعتماد داریم. مطمئتم یقیناً آنها به دست‌اندازی به حقوق کشور و حقوق ملت و کرامت ملت راضی نخواهند شد و اجازه نخواهند داد که چنین کاری انجام بگیرد. مسئله‌ی ظرفیت غنی‌سازی یک مسئله است که خیلی مهم است؛ مسئله‌ی تحقیق و توسعه که قطعاً باید رعایت بشود؛ حفظ تشکیلاتی که دشمن قادر به تخریب آن نیست. روی «فردو» تکیه می‌کنند، چون غیر قابل دسترسی است برای آنها؛ می‌گویند جایی که ما نمیتوانیم به آن ضربه بزنیم، نباید داشته باشید! این خنده‌آور نیست؟

بیانات در دیدار مسئولین نظام ۹۳/۴/۱۶

# روند عقب نشینی

بازخوانی تاریخی مذاکرات هسته‌ای در سالهای ۸۲ تا ۸۴

اولین جرحه

پس از سخنرانی بوش در مورد خطر هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۱ میلادی،با حمله به برج‌های دوقلوی نیویورک در بیستم شهریور ۱۳۸۰ فضای بین‌المللی، به سمت انتقام جویی امریکا از مسببین این حملات سوق داده شد، چنانکه جرج بوش در سخنان تهدید آمیزی، ایران را نیز یکی از «محورهای شرارت»در جهان معرفی کرد.این لحن تهدیدآمیز امریکا، سبب شد تا در ایران، مسئولین سیاست خارجی دولت اصلاحات، به امید در امان ماندن از تهدیدات بوش، در قالب یک نامه تن به ارائه تعهدات و تضمین هایی به امریکا بدهند که به **نامه ۲۰۰۲ صادق خرازی** معروف شد. در این نامه تحقیرآمیز ، دولت اصلاحات به امریکا تضمین هایی داده و در مقابل از آمریکا درخواست هایی داشت اما این نامه که به سفیر سوییس در تهران تحویل داده شد ، آنچنان غیر قابل باور به نظر آمد که با تردید طرف امریکایی مواجه و پذیرفته نشد و آمریکا، اعضای اتحادیه اروپا به همراه البرادعی را برای افزایش فشار به ایران فرستاد.

نشست‌سعدآباد

در ۱۵ مردادماه سال ۸۲ وزیر خارجه انگلیس به ایران نامه می نویسد که فعالیت های هسته ای تعلیق شود و در این بین رئیس جمهور وقت دیداری با البرادعی داشت و در سوم شهریور ایران رسماً اعلام آمادگی برای مذاکره در خصوص پروتکل الحاقی می کند. بعد از این اتفاق سه کشور اروپایی بانی تصویب قطعنامه بر علیه ایران می شوند و می خواهند که پروتکل الحاقی توسط ایران پذیرفته و همه فعالیت های هسته ای تعلیق شود. در مهر ۸۲ سه کشور اروپایی– که به گفته «جان سواز» نماینده انگلیس در این مذاکرات با هدف تعلیق همه فعالیت‌های هسته‌ای آمده بودند– وارد تهران شدند.در **مذاکرات سعدآباد تلاش و هدف ایران شامل دو محور بود: الف– پرونده هسته ای به شورای امنیت نرود و ب– اگر نظام قطعنامه شورای حکام را پذیرفت ابعاد تعلیق محدود شود و روند گاز دهی به سانتریفیوژها متوقف نشود.** تیم مذاکره کننده ایران در آن زمان عبارت بودند از آقایان **موسویان(مذاکره کننده ارشد)**،**محمد جواد ظریف، ناصری، زمانی نیا، البرزی، علی اکبر صالحی،سعیدی، مجید تخت روانچی و ماجدی.**

تهدید یوشکا فیشر در مقابل مقاومت تیم مذاکره کننده هسته‌ای برای تعلیق فعالیت‌ها، سبب تغییر مسیر مذاکرات شد.حسین موسویان از دیدار خصوصی البرادعی و روحانی در این زمینه می گوید: «آقای روحانی از البرادعی سوال کرد منظور از تعلیقی که شما می‌گویید چیست؟ البرادعی در پاسخ به روحانی گفت: فقط مواد به سانتریفیوژها تزریق نشود.» اما اژانس در تعریفی که بعدا به صورت کتبی ارائه کرد، معنای تعلیق را بسیار گسترده تر و در حد تعطیلی فعالیت‌های تحقیقاتی نیز قرار داده بود. سید محمد خاتمی در واکنش به این اقدام البرادعی به «غیر اخلاقی بودن» این اقدام اشاره می‌کند حال آنکه نتیجه این نشست، حرکت به سمت پذیرش تعلیق کامل فعالیت‌های هسته‌ای ایران بود. این درحالی بود که تونی بلر طی سخنانی در جمع سربازان انگلیسی در بصره با اشاره به نشست سعدآباد از نتیجه بخش بودن تهدید ایران اینگونه یاد کرد که **« ما میوه پیروزی در عراق را در سعدآباد چیدیم!**». در سوی دیگر، دانشجویان با ترتیب دادن تجمعات اعتراضی در مقابل سعدآباد و زنجیره‌های انسانی در مقابل مراکز هسته‌ای ایران، خواستار احقاق حقوق هسته‌ای ایران شدند.انتخابات مجلس هفتم سبب شد تا با حضور اکثریت اصولگرا در این مجلس فشار برای تغییرات جدی در نحوه پیگیری پرونده هسته‌ای شدت بگیرد. در این باره ظریف یکی از اصلی ترین دیپلمات‌های نزدیک به اصلاح طلبان در وزارت امور خارجه در مذاکرات محرمانه‌ای که با البرادعی دارد در پاسخ به درخواست البرادعی برای پذیرش تعلیق اینگونه پاسخ می‌دهد: «مشکلی که ما داریم، این است که هم اروپا و هم مذاکره

کنندگان ایرانی اعتبار خود را در ایران از دست داده‌اند. الان مشکل اعتمادسازی نیست بلکه مسئله، مشکل داخلی از طرف ماست. ما اعتبارمان را داخل کشورمان از دست داده‌ایم.» این موضوع را جک استراو، وزیر امور خارجه وقت انگلیس از قول سید محمد خاتمی اینگونه می‌گوید: **«به خاتمی گفتم که شما بر روی موشک شهاب به انگلیسی نوشته‌اید مرگ بر امریکا و این نگران کننده است. خاتمی با خنده به من نگاهی کرد و گفت: ولی برای من آرامش بخش است، چون قبلا می نوشتند مرگ بر خاتمی.»**

سیاست **هویج و چماق** و به ثمر رسیدن **توافق پاریس**

جرج بوش برای متقاعد کردن ایران به تعلیق کامل فعالیت‌های هسته‌ای، با روی آوردن به سیاست تهدید نظامی، تلاش کرد ایران را تحت فشار قرار دهد، در این شرایط تیم مذاکره کننده ایرانی به پاریس رفته و در آبان سال ۸۳ تعلیق کامل فعالیت های هسته ای حتی در حد فرآوری و تحقیقات را نیز پذیرفت. در **مذاکرات پاریس** قرار شد **ایران به آژانس تضمین عینی بدهد** که در **پی تولید سلاح هسته ای نیست و در مقابل آژانس نیز به ایران تضمین قطعی بدهد** که **پرونده کشورمان را از دستور کار شورای حکام خارج کرده** و **به روال عادی بازگرداند.** در نتیجه **ایران تمامی فعالیت های هسته ای خود را به صورت داوطلبانه به حالت تعلیق در آورده** و **پروتکل الحاقی** را نیز بدون تصویب مجلس به طور موقت و داوطلبانه پذیرفت.

البته، تیم مذاکره کننده تلاش کرد تا اجازه **فعالیت حداقل بیست سانتریفیوژ** را که با فناوری داخلی ساخته شده بود، از تروئیکای اروپایی کسب کند؛ درخواستی که جک استراو، واکنش به آن را اینگونه تشریح می‌کند: «سوار قطار بودم که گفتند خرازی می‌خواهد تلفنی با من صحبت کند. به او گفتم باید بعداً تماس بگیرد چون در حال حاضر در قطار هستم… من به او گفتم که توافقنامه امضا شده و تغییر در آن تقریباً غیر ممکن است». .وعیدی مذاکره کننده سابق هسته‌ای در این رابطه می‌گوید: **آنها می‌خواستند تعلیق توسط حکومتی که ادعای استقلال داشت به دست همان حکومت صورت پذیرد، این یکی از استراتژی‌ها برای تضعیف جمهوری اسلامی بود.**

مذاکرات لندن

۳ ماه بعد در اجلاس لندن که قرار بود در آن تضمین های دو جانبه ارائه شود، وزرای خارجه تروئیکای اروپا– انگلیس، فرانسه و آلمان– اعلام کردند **تنها تضمین عینی مورد قبول آنها دست کشیدن جمهوری اسلامی ایران از فعالیت هسته ای است وضمن نقض قرار، «لگوی لیبی» را پیشنهاد کردند.**لازم به ذکر است **لیبی تجهیزات هسته ای خود را در یک کشتی قرار داده و تحویل آمریکا داده بود!!!**

این اتفاقات که با ماه‌های آخر فعالیت دولت سید محمد خاتمی همزمان بود، کار را به جایی رساند که **رهبر معظم انقلاب مستقیماً وارد موضوع شدند.** ایشان در جمع دانشجویان دانشگاه‌های یزد در دی ماه ۸۶ در این باره فرمودند:

«البته این فرایند به ملت ایران و افکار عمومی جهان نشان داد که وعده های غرب توخالی است چرا که تعلیق موقت و داوطلبانه ایران ، با سوءاستفاده دشمنان در حال تبدیل شدن به حذف فعالیت‌های هسته‌ای در کشور بود که بنده همان موقع هم تأکید کردم اگر روند مطالبه پی در پی طرف‌های هسته ای ادامه یابد وارد میدان می شوم همین کار را هم کردم. بنده گفتم که بایستی این روند عقب نشینی متوقف شود و تبدیل شود به روند پیشروی و اولین قدمش هم باید در همان دولتی انجام بگیرد که این عقب نشینی در آن دولت انجام گرفته بود و همین کار هم شد.»

آقازاده رئیس سابق سازمان انرژی اتمی نیز در بازگو کردن آن برهه تاریخی می‌گوید: **«فناوری هسته‌ای در کشور مدیون کسی جز آقای خامنه‌ای نیست. در آن مقطع تاریخی اگر شخص ایشان ایستادگی نمی‌کرد، امروز هیچ چیزی نداشتیم.»**

# تکرار جام زهر و قطعنامه ۵۹۸!!

سخنرانی حاج سعید قاسمی در همایش «خط قرمز؛ نه به صنعت هسته‌ای دکوری»–۹۳/۴/۲۲

**یک بار دیگر هم می‌شود شبیه قطعنامه‌ای امضا شود**

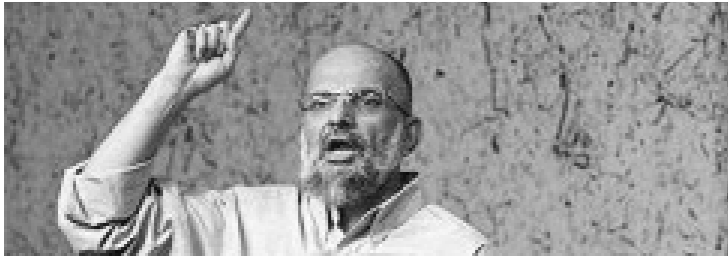
مع‌الوصف باوراندید به امام که بایستی قطعنامه امضا بشود. این را دارم می‌گویم برای اینکه در مقطعی که قطعنامه پذیرفته شد همه‌ی این بزرگان بودند. از حضرت امام خامنه‌ای تا آقایان ریز و درشت بودند. بودند و ۵۹۸ که جام زهر بود نه احلی من العسل، اتفاق افتاد. این را برای این می‌گویم که یعنی زبانم لال می‌شود که شما هم باشید و آقا هم باشد و تنها باشد، اما با همین فیلم‌ها و برنامه‌ها، یک بار دیگر هم می‌شود [شبیه قطعنامه امضا شود]. **وقتی خواص به حرف ولی گوش ندهند. و عوام هم گیج و کلافه باشند می‌شود که یکدفعه فتنه ۸۸ ای رخ بدهد که ۸ ماه کف زمین باشیم و خواصِ گیج و کلافه نتوانند ما را هدایت کنند. خب آقا از همان اول می‌آمد جمع می‌کرد. به شما می‌گفت. چرا ایستادید تا نُه دی. همین امروز این حرمت‌ها دارد شکسته می‌شود، فردا باید بریزید و کار را تمام کنید. اما نه! یک چنین حکمی ندادند. ایشان ولی است. باید تو بررسی به اینکه این اتفاق از اصل نباید بیافتد.** حضرت آقا

که قبل از این بارها و بارها تأکید کرده‌اند. هزاران مرتبه سخنرانی دارند که نباید با آمریکا سر یک میز بنشینیم. من متأسفم که امروز سر این تیپ مسائل داریم صحبت می‌کنیم.

آقای صالحی را به عنوان رئیس انرژی اتمی می‌آورند در تلویزیون و ازشان می‌پرسند -شما که خیلی انگلیسی‌تان خوب است– این واژه که مفهومش این است. می‌گوید من نمی‌دانم شاید در ترجمه‌اش اشتباه شده باشد. جلوی هفتاد میلیون این برنامه دارد پخش می‌شود و خودشان نمی‌دانند چه چیزی را امضا کرده‌اند. دل نگران نباشیم؟

**بعد از پذیرش قطعنامه اتفاقی بدتر از روز ۳۱ شهریور ۵۹ افتاد**

این بدن‌های سوراخ سوراخ شده، یک خاطره‌ی بد در ذهن من دارد. پسرم! دخترم! مصادف با ۲۹ تیرماه اتفاقی افتاد که در طول این بیست و پنج سال گذشته برایت تکرارش نمی‌کنند، و آن واقعه ۵۹۸ است و اتفاقات سهمگینی که چند روز بعدش به این نظام رفت را برایت گوشزد نمی‌کنند. جگر نمی‌کنند پیام قطعنامه را بخوانند. برای اینکه اگر این را آویزان گوشت بکنی، هرگز اسیر این بازی‌ها نخواهی شد. شد ۵۹۸ و جام زهر پذیرفته شد. یعنی آتش بس شد و باید سلاح‌ها را زمین بگذاری تا سازمان مللی‌ها بیایند و خط تماس را تحویل بگیرند و غرامت تعیین کنند. اما اینگونه شد؟ پذیرفتیم دیگر، همه‌ی شما که پذیرفتید و گفتید بس است دیگر نمی‌توانیم ادامه بدهیم، چه شد بعدش؟ امضا کردیم و رفتیم سر میز نشستیم و صوری هم نبود. مو سفیدهای مجلس، چه شد بعدش؟ برای بچه‌هایتان تعریف کردید؟ آیا همه رفتیم سر خانه و زندگی‌مان؟ بعدش هیچی نشد؟ به **فاصله‌ی سه روز بعد از اینکه قطعنامه را پذیرفتی و به مجرد اینکه دشمن احساس کرد که دیگر مال این حرف‌ها نیستی که بخواهی خط نگه داری،**



**برگشت. اتفاقی بدتر از روز۳۱ شهریور ۵۹ اتفاق افتاد.** بعد از گذشت ۸ سال از جنگ، دشمن از خوزستان آمد روی همین جاده‌ی آسفالته اهواز–خرمشهر. از منطقه‌ی فکه آمد تا روی جاده‌ی دشت عباس. مهران و دهلران دومرتبه تسخیر شد. در منطقه‌ی قصر شیرین آن داستان منافقین اتفاق افتاد.

پسرم! دخترم! تاریخ برایت نوشت و نگفت. خدا کند که هیچ وقت عقب‌نشینی را نبینی. دشمن وقت نمی‌کرد غنیمتی‌ها را جمع کند. به **یک اعتبار دوازده‌هزار و برخی روایات بیست و چند هزار نفر، ظرف دو سه روز اسیر دادیم. ۶۰ درصد زمین‌هایی را که ظرف ۸ سال گرفته بودیم، طی سه شب از دست دادیم.** برایت گفته‌اند؟ نه، هیچ وقت نمی‌گویند. برای اینکه از این واقعه‌ی تلخ تاریخی پذیرش قطعنامه‌هایِ کثیف، خاطره نداشته باشی. برای اینکه این قضیه دومرتبه تکرار بشود.

در یک سال آخر، این طرف در جبهه چه خبر است؟ گنجی و کلافه‌گی است. بچه‌ها می‌رسیدند چه خبر است اینجا؟ چرا اینجوری شده است؟ جواب رد و بدل می‌شد که ولش کن آقا. اینها دارند پشت پرده می‌بندند و مگر ندیده‌ای مک فارلین را آورده‌اند. آن طرف در شهرها چه خبر است؟ آقا برویم جبهه؟ ولش کن حاجی! رادیو و تلویزیون دارد این همه جمعیت را نشان می‌دهد. بگذار یک ترم دیگر پاس کنیم.

**پیام سه خطی امام و سیل نیروهایِ داوطلب در جبهه**
وقتی فضا را گرد و غبار می‌گیرد و فتنه می‌شود، خواص هم نمی‌توانند برایت تکلیف مشخص کنند. زد و وقتی این هجمه شد امام یک پیام سه خطی دادند و برایمان خواندند، که این را هم نمی‌گویند برایت. در ذاکره‌ی هیچ کدام‌مان این پیام سه خطی نیست:« **بسم الله الرحمن الرحیم.** اینجا نقطه‌ی حیاتی کفر و اسلام است. یعنی نقطه‌ی شکست و پیروزیِ اسلام یا کفر. باید متر به متر جنگید و هیچ

چیز از هیچ کس پذیرفته نیست. اینجا لحظه‌ای است که یا موجب می‌شود سپاه دوباره در کشور حیات پیدا کند یا برای همیشه یک سپاه ذلیل و مرده‌ای بشود. **والسلام علیکم. روح‌الله الموسوی خمینی.**»

در همین شرایط می‌بینی در جبهه نیروها با همان لباس‌های ساده آمده بودند و با تفنگ بادی و با ماشین شخصی، با بیل و کلنگ ریختند در جبهه و قضیه را جمع کردند. نه مثل آقای حاج آقا خاطره که گفته بود ما یک طرح استراتژیک در چارزبر داشتیم که اینجا گلوگاه دشمن را بگیریم. از آن خاطراتی که هر شب نقل می‌کنند که امام راجع به این مسی هم گوشزد کرده بود که بگیریدش!
اما دوستان! در چنین شرایطی که امام می‌گفت: «نگوید جنگ جنگ تا پیروزی، بگوید جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم»، این اتفاق افتاد و قطعنامه پذیرفته شد. چون او خودش با خدا معامله کرد جوابش را گرفت. من کان لله کان الله له. «جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست. جنگ ما جنگ فقر و غنا بود جنگ ما جنگ ایمان و زدالت بود.» اینها را باید امروزه برای بچه‌هایمان بازخوانی کنیم. چون نه در مدرسه و نه در دانشگاه و نه در صدا و سیما و رادیو و تلویزیون برایشان گفته نمی‌شود. این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.

# غزه ، عراق ، وین

چارچوب هایی که می بایست در مذاکرات رعایت شوند

مذاکرات وین ۶ در حالی پایان یافت که چند اتفاق مهم در اطراف کشور ما به وقوع پیوست.اتفاقاتی که به یقین نمیتوان نسبت به آن بی تفاوت بوده و نیازمند دیپلماسی قوی از طرف جمهوری اسلامی ایران می باشد.اما نکته ای که جای تاسف داشته و دارد این است که متولی اصلی سیاست خارجی در کشور ما یعنی وزیر محترم خارجه برای مذاکرات به وین رفته و تقریبا می توان گفت هیچگونه واکنش خاصی در قبال این اتفاقات نداشت!! در حالی که با آغاز درگیری های در فلسطین اشغالی و ادامه بحران در عراق ، منطقه در وضعیت حساسی به سر می‌برد، حضور طولانی مدت رئیس دستگاه دیپلماسی کشورمان در وین ایران را از عرضه تحولات منطقه ای عقب انداخته است. وزیر محترم خارجه قبل از رفتن به وین در ویدئویی که به مناسبت آغاز دور جدید مذاکرات منتشر ساخت سخنانی گفته که جای تأمل دارد:

«تا سه هفته آینده ما یک فرصت استثنایی داریم تا تاریخ ساز شویم تا بر روی توافقنامه جامع برنامه هسته ای ایران به اجماع برسیم و پایان دادن به یک بحران غیر ضروری که ما را ازرسیدگی به چالش های مشترک بازداشته است.چالشهایی مانند اتفاقات هولناکی که در چند هفته ی پیش در عراق شاهد آن بودیم»

آقای ظریف در این ویدئو مذاکرات را مسئله فرعی دانسته و خواستار این شده اند که این مذاکرات هرچه زودتر به پایان رسیده تا به مسائل مهم تر منطقه برسند.اما چند سوال در این زمینه وجود دارد:

۱- اگر ایشان مسائل مربوط به منطقه را بسیار مهم دانسته چرا در طول ۲۰ روزی که در وین بودند حتی یک موضعگیری در خصوص مسائل غزه نداشتند؟ بگونه‌ای که رییس جمهور محترم مان در نامه ای از ایشان درخواست می‌کنند تا تمام سعی خود را برای اتفاقات غزه به کار گیرد؟
**آیا آقای ظریف نمی‌توانست حداقل در واکنش به حمایت آمریکا از کشتار بی‌رحمانه‌ی مردم غزه مذاکره با جان کری را که بارها از اسرائیل و حملاتش حمایت کرده قطع می کرد؟**

۲- ایشان مسائل مربوط به عراق را چالش مشترک ما و غرب با تروریست ها اعلام کرده اند که چه خوب است پرسیده شود **آیا ما در عراق چالش مشترکی با آمریکا داریم؟** مگر نه این است که گروه های تکفیری داعش و امثالهم دقیقا دست پرورده ی آمریکا هستند؟مگر نه این است که آمریکا و غرب در سوریه از این گروه ها حمایت مالی و تسلیحاتی میکند تا بتواند رییس جمهور سوریه را کنار زده و در محور مقاومت رخنه ایجاد کند؟
**آیا جز این است که اتفاقات عراق و سوریه و غزه دقیقا جنگ بین محور مقاومت و استکبار به سرکردگی آمریکاست؟** پس ما چه چالش مشترکی با آنها داریم که بخواهیم بر سر آنها به دنبال راه حل باشیم؟

۳- **حضور طولانی مدت رئیس دستگاه دیپلماسی در این مذاکرات در حالی صورت گرفت که هیچ یک از همتایان وی در گروه ۵+۱ در وین حضور مستمر پیدا نکردند.** با توجه به سطح مذاکرات که در آن حتی یک وزیر خارجه نیز شرکت نداشت و فقط وزرای کشورها- آن هم نه همه- رفت و آمد کوتاهی داشتند آیا نیاز است وزیر خارجه ی ما خود



**آیا آقای ظریف نمی‌توانست حداقل در واکنش به حمایت آمریکا از کشتار بی‌رحمانه‌ی مردم غزه مذاکره با جان کری را که بارها از اسرائیل و حملاتش حمایت کرده قطع می کرد؟**



مستقیما مذاکرات را پیش برده و تمام هم و غم خود را به مذاکرات معطوف کرده تا اینگونه القا شود که ایران بسیار مشتاق توافق است و به آن نیاز ضروری دارد و همچنین جمهوری اسلامی نسبت به تحولات منطقه بی تفاوت است؟
خوب است در این زمینه **جان کری را الگوی خود قرار دهیم!!** اندکی پس از اتفاقات عراق جان کری خود شخصا هزاران کیلومتر راه را پیموده و به بغداد آمده تا تحولات عراق را از نزدیک بررسی کند. پس از انتشار نتایج انتخابات افغانستان جان کری سریعا به کابل رفته و تحولات آنجا را بررسی میکند. در همین بغداد ویلیام هیگ وزیر خارجه انگلیس با نوری مالکی دیدار کرده و وقایع عراق را پیگیری میکنند. اما جمهوری اسلامی ایران چه؟؟ وزیر خارجه ی ما در ابتدای بحران عراق تنها به یک تماس تلفنی بسنده کرده و سپس راهی وین میشود! آنجا نیز هنگامی که وقایع غزه اتفاق می افتد هیچ واکنشی از ایشان نمی بینیم! خلاصه ی کلام اینکه با توجه به سطح و نوع مذاکرات، نه تنها نیازی به حضور مستمر رئیس دستگاه دیپلماسی در این مذاکرات نیست که نیاز به حضور قوی ایشان در منطقه فوق العاده حساس غرب آسیا به منظور پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی می باشد. **یادمان نرود که ما در پیچ تاریخی هستیم...**

# تحمیل صلح

بازخوانی صلح امام حسن علیه السلام و تفاوت نگاه رئیس جمهور با امام و رهبری

**این روزها و در شرایطی که نبرد جمهوری اسلامی ایران و کشورهای مستکبر (به خصوص آمریکا) در مرحله حساسی قرار دارد، شاهد تئوریزه کردن پذیرش (تحمیل) صلح توسط مسئولین دولتی هستیم.**

از جمله، رئیس جمهور در اول تیرماه در همایش سبط النبی، سخنانی در استقبال از صلح امام حسن (ع) بیان داشته و مدعی شدند که: «امروز ما بیش از هر زمان دیگری نیازمند به وحدت در دنیای اسلام هستیم، ما نیازمند به آن هستیم که پرچم صلح حسنی به اهتزاز درآید!»

این جمله ی رئیس جمهور از آن جهت عجیب است که ایشان مجبور شدن امام مجتبی علیه‌السلام به پذیرش صلح با معاویه، به خاطر خیانت سران لشکرشان و دنیاطلبی مردم آن زمانه را به عنوان امری مطلوب که ما هم امروز باید از آن الگو بگیریم مطرح می‌کنند! در حالی که کمترین مطالعه در تاریخ ما را متوجه می‌سازد عللی در آن زمان وجود داشت که موجب شد صلح بر امام تحمیل شود، و اگر هم امروز بناست حول آن واقعه توصیه‌ای بیان شود، به جاست که توصیه به رفع آن علل و عوامل باشد، نه توصیه به پذیرش صلح تحمیلی!

امام خمینی رحمه‌الله‌علیه در توصیف صلح امام حسن علیه‌السلام و نسبت آن با شرایط امروز می‌فرمایند:« **قصه امام حسن و قضیه ی صلح، این هم صلح تحمیلی بود؛** برای اینکه امام حسن، دوستان خودش، یعنی آن اشخاص خائنی که دور او جمع شده بودند، او را جوری کردند که نتوانست خلافتش بکند، صلح کرد؛ صلح تحمیلی بود. این صلحی هم که حالا به ما می‌خواهند بگویند، این است. بعد از اینکه صلح کردند، به حسب روایت، به حسب نقل، معاویه به منبررفت و گفت که تمام حرف‌هایی که گفتم، من قرار دادم زیر پایم؛ مثل پاره کردن این مردیکه آن قراردادها را. آن صلح تحمیلی که در عصر امام حسن واقع شد، آن حکمیت تحمیلی که در زمان امیرالمؤمنین واقع شد و هر دویش به دست اشخاص حیل‌گر درست شد، **این ما را هدایت می کند به اینکه نه زیر بارصلح تحمیلی برویم و نه زیر بار حکمیت تحمیلی**» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص۱۱۸)

اینکه امروز، آیا شرایط نظام مقتدر اسلامی با مردمی هوشیار و در صحنه، همچون شرایط زمان امام حسن علیه‌السلام است که ما بخواهیم دم از صلح با آمریکا بزنیم، خود بحثی مفصل و جدا می‌طلبد، اما آنچه که در این میان مهم می‌باشد، این است که **همواره در تاریخ، خودعاقل پندارانی هستند که امام جامعه را به صلح توصیه می‌کنند!** حضرت روح‌الله نیز در طول عمر شریف شان بارها از دست این گروه زیان به گلایه گشوده‌اند: «**یک دسته‌ای نصیحت کنند ما را که شما باید صلح بکنید. این مال ضعفاست؛ این اشخاص ضعیفی که همیشه در دام امریکا بوده‌اند یا امثال این‌ها از این مسائل می‌گویند، لکن ما تازه خارج شدیم از این دام، دوباره حاضر نیستیم وارد بشویم.** ملت ما حاضر نیست به این‌که دوباره در این دام وارد بشود؛ دوباره مستشارهای امریکا بیابند و هر حکومتی می‌خواهند بکنند. تا حالا ما را عقب نگه داشتند، پس است این. می‌خواهند باز هم نگه دارند، عقب تر ببرند؟» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص۲۷۲) و در جایی دیگر می‌فرمایند: «**کدام ملت می‌گوید ما صلح بکنیم، جز آن مرفه‌ها و آن‌هایی که اسباب عیش‌شان فراهم نیست، یا**

**آن هایی که متوجه نیستند؟** حمل به صحتش، این است که یک دسته‌ای متوجه نیستند!» (صحیفه امام، ج ۱۹، ص۲۵۵)

در فهم این دسته افرادِ به ظاهر معتدل از اسلام و قرآن چه بسا باید شک کرد، گویی اینان جریان مبارزه ی دائمی حق و باطل را درک نکرده‌اند، در این رابطه نیز امام(ره) سخنان رسایی دارند: «سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است؛ و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خُود که خدای تعالی به آن ها عنایت فرموده است، نمی‌رسند» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۴۴) « **صلح بین اسلام و کفر معنا ندارد. هیچ مسلمی نباید خیال کند که بین اسلام و غیراسلام و مسلم و غیر مسلم باید صلح ایجاد بشود.** باید حکم خدا عمل بشود.

باید ما همه تابع قرآن کریم باشیم»(صحیفه امام، ج ۱۴، ص۱۶۴)

کوبیدن بر طبل صلح، دانسته یا ندانسته، بازی کردن در پازل استکبار جهانی و بستن چشم‌ها بر روی جنایات آن‌هاست. آن‌ها که مدام دم از صلح می‌زنند، به جای این‌که همت‌شان را بر جمع کردن بساط فاسدین و رفع فتنه از عالم قرار دهند، ما را به آشتی با این جنایتکاران دعوت می‌کنند و دست دوستی درازنکردن به سمت این زورگویان را تنش‌آفرینی و افراط‌گرایی می‌نامند! رهبر عزیز انقلاب از این رویکرد با عنوان خیانت یاد می‌کنند: «**این‌هایی که برای تئوریزه کردن سازش و تسلیم و اطاعت در مقابل زورگویان، نظام را متهم می‌کنند به جنگ‌طلبی یا به تئوریزه کردن جنگ، دارند خیانت می‌کنند،دروغ می‌گویند**» (۹۲/۳/۴)

در این شرایط، بحث نرمش قهرمانانه، یک استراتژی در حین مبارزه است و نه هدفی دائمی، آن طوری که از سخنان رییس جمهور برمیآید.

به تعبیر رهبر معظم انقلاب، «این مانور هنرمندانه نایستی به معنای عبور از خطوط قرمز یا برگشتن از راهبردهای اساسی یا عدم توجه به آرمان‌ها باشد؛ این‌ها را باید رعایت کرد.»(۹۲/۶/۱۴) ایشان همچنین در جای دیگری فرمودند:« **این کشتی‌گیری که دارد با حریف خودش کشتی میگیرد و یک جاهایی به دلیل فنی نرمشی نشان میدهد، فراموش نکند که طرفش کیست؛ فراموش نکند که مشغول چه کاری است؛** این شرط اصلی است؛ بفهمند که دارند چه کار میکنند، بدانند که با چه کسی مواجهند، با چه کسی طرفند،»(۹۲/۶/۲۶)

«ما تعبیر «نرمش قهرمانانه» را به کار بردیم؛ یک عده‌ای آن را به معنی دست برداشتن از آرمانها و هدفهای نظام اسلامی معنا کردند؛ بعضی از دشمنان هم همین را مستمسکی قرار دادند برای اینکه نظام اسلامی را به عقب‌نشینی از اصول خودش متهم کنند؛ اینها خلاف بود، اینها بدفهمی است. نرمش قهرمانانه به معنای مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود است؛» (۹۲/۸/۲۹)

ایشان ایجاد و ادامه انقلاب اسلامی را در مبارزه میدانند:« **در همه‌ی این صحنه‌ها، چه عرصه‌ی اداره‌ی کشور، چه عرصه‌ی فعالیت‌های گوناگون اقتصادی، علمی، فرهنگی و غیره، چه عرصه‌ی سیاست‌گذاری، چه عرصه‌ی تقنین، چه عرصه‌ی مذاکرات خارجی و غیره، باید بدانیم ما در حال مبارزه‌ایم**»(۹۳/۳/۴)

جا دارد که در پایان، سخن معروف رهبر انقلاب در این زمینه را بار دیگر برای کسانی که علاقمند به تحمیل صلح حسنی به امام جامعه هستند، به یاد بیاوریم ایشان می‌فرمایند: «من به شما عرض کنم که امروز دشمن قادر نیست. امروز به برکت ملت هوشیاری مثل ملت ایران، به برکت افکار برانگیخته‌ای مثل افکار ملت ایران، به برکت انقلاب بزرگی مثل انقلاب اسلامی ایران، نه آمریکا و نه بزرگ‌تر از آمریکا -اگر در قدرت‌های مادی باشد- قادر نیستند حادثه‌ای مثل حادثه‌ی صلح امام حسن را بر دنیای اسلام تحمیل کنند. این‌جا اگر دشمن زیاد فشار بیاورد،حادثه‌ی کربلا اتفاق خواهد افتاد»(۷۹/۲/۱)

## توافقی دارای ابهامات بسیار

مروری بر توافقنامه ژنو و برخی ابهامات پیرامون آن

توافق نامه ژنو از یک مقدمه و ۳ گام به نام های گام اول، گام دوم، گام نهایی و یک بخش نهایی به نام گام بعد ( Following successful implementation of the final step ) تشکیل شده است.

البته با عناوین مختلف و متفاوتی از این گام ها نام برده شده است.

زمان شروع گام اول مطابق با اول ژانویه ۲۰۱۳ و به میزان ۶ ماه تعیین شده که قابلیت تمدید پذیری در آن لحاظ شده است. برای تمدیدها میزانی معین نشده لذا قابلیت تمدیدپذیری آن به صورت نامحدود وجود دارد. پس در واقع پایان گام اول مشخص نیست. زمان شروع و پایان گام دوم نیز به هیچ عنوان در متن ذکر نشده لذا از حیث شروع میتوان هم زمان با گام اول آغاز و مانند گام اول پایان نامعلومی داشته باشد. زمان شروع گام سوم حدوداً اواخر ماه نوامبر ۲۰۱۴ است اما زمان پایانی برای آن معین نگردیده است؛ لذا میتواند زمانی بلند مدت -مثال ۲۰ سال- داشته باشد!

منطق «همه یا هیچ»

(nothing is agreed until everything is agreed)

این قید در دو جای متن آمده یکی در مقدمه: «این راه حل جامع از یک کل متحد تشکیل می شود که هیچ چیزی توافق نمی شود مگر اینکه در مورد همه چیز توافق شود.» دومین بار در انتهای قرارداد است که به صراحت آمده است: «در ارتباط با گام نهایی و هر گامی در میان (گامهای میانی)، اصل استاندارد که «هیچ چیزی توافق نمی شود مگر اینکه در مورد همه چیز توافق شود.»

سؤال این است که چرا و با چه مبنایی این قید در قرارداد گنجانده شده است؟ آیا نمی شود در خصوص یک بخش جزئی توافق نکرد و امتیازاتی در برابر آن گرفت؟ این اصل حداقل مشکلی که ایجاد می کند طولانی و سخت کردن مذاکرات است؛ اما اگر از نگاه حداکثری ببینیم طرف مقابل می تواند به راحتی با توجه به این قید، اهرم فشاری در دست بگیرد و هر جایی که تیم ایرانی بخواهد در مورد حذف یا اصلاح قیدی پافشاری نماید؛ جلوی او را با تهدید به بر هم خوردن کل قرارداد بگیرد!

در این توافق موازنه داده- ستانده برقرار نیست. آنچه ایران در این توافق واگذار می کند در واقع جلوگیری از پیشرفت بیشتر تمامی برنامه هسته ای موجود از حیث ماشین ها، مواد، تأسیسات و تجهیزات (Halt) و همچنین به عقب برگرداندن (Roll back) بخشهای کلیدی برنامه از جمله غنی سازی ۲۰ درصد و ذخیره مواد ۲۰ درصد است و آنچه دریافت می کند، تعدیل هایی در رژیم تحریمهاست که در مقایسه با ساختار کلی این تحریمها بسیار جزئی و حاشیه ای است. نگاه آمریکایی ها به توافق ژنو همانطور که جان کری یک روز پس از توافق به ای بی سی نیز گفته این است که این توافق مقدمه ای برای برچیدن (Dismantling) زیرساخت غنی سازی ایران است. در ازای چنین توافقی آن گونه که برگه اطلاعات (Fact sheet) منتشر شده از سوی کاخ سفید در تاریخ ۲۳ نوامبر نشان می دهد آن چه عملاً ایران دریافت می کند چیزی بیش از ۱۰ میلیارد دلار عواید ناشی از تعدیل تحریمها در برخی حوزه های خاص نیست. برنامه هسته ای بخشی از غرور ملی ایرانیان است که خون پاک ترین جوانان این کشور به پای آن ریخته شده است و تردیدی نیست که سودا کردن این برنامه در ازای تعدیلی چنین جزئی در تحریم ها را بتوان یک معامله متوازن خواند.

در گام دوم به قطعنامه های شورای امنیت اشاره شده است: «پرداختن به قطعنامه های شورای امنیت با نظر به اینکه ملاحظه شورای امنیت سازمان ملل در این موضوع به صورت رضایت بخش، به نتیجه برسد.» قطعاً جمهوری اسلامی ایران بنا بر مواضع عملی خود قطعنامه های مزبور را «غیرقانونی» می داند. بنابراین ابهام این جاست که پرداختن به قطعنامه های شورای امنیت به چه معناست؟ آیا گنجاندن این مورد در گام دوم و پذیرش آن توسط تیم مذاکره کننده ایرانی خودبه خود به معنای پذیرش قانونی بودن این قطعنامه ها نیست؟ در بند چهارم از توصیف شرایط توافق نهایی آمده است که ایران میتواند نهایتاً یک برنامه غنی سازی داشته باشد به دو شرط:

- ۱- انطباق بر نیاز های عملی (Consistent with practical-needs)
- ۲- توافق بر اساس محدودیت هایی درباره اندازه (Level)، ظرفیت (Capacity)، حجم (Stocks of enriched uranium)، گستره (Scope) و مکان آن.

مشروط شدن غنی سازی در گام آخر به نیازهای عملی ایران آیا معنایی جز این دارد که ۱+۵ می تواند در مذاکره بررسی توافق نهایی ادعا کند ایران به دلیل نداشتن راکتوری که تأمین سوخت نشده باشد، عملاً هیچ نیاز عملی به غنی سازی ندارد و باید آن را برچیند؟ و آیا این جمله اساساً با این هدف در توافق گنجانده نشده است؟ و تازه، حتی اگر غرب نیاز عملی ایران را هم بپذیرد، پذیرف این همه محدودیت درباره اندازه، سطح، گستره، ذخایر و ... غنی سازی، آیا چیزی هم از برنامه غنی سازی باقی می گذارد؟

### فکر کنید روی این مسائل

یکی از ترسدها و خلاف گویی ها این است که این جور القا کنند به افکار عمومی مردم که اگر ما در قضیه ی هسته ای، تسلیم طرف مقابل شدیم، همه ی مشکلات اقتصادی و معیشتی و غیره حل خواهد شد؛ این را دارند تبلیغ میکنند. البته تبلیغاتچی های خارجی با شیوه های کاملاً ماهرانه ی تبلیغاتی خط میدهند، در داخل هم بعضی از روی ساده لوحی و بدون اینکه نیت سوئی داشته باشند، بعضی هم واقعاً از روی غرض همین را دارند تبلیغ میکنند که اگر ما در این قضیه کوتاه آمدیم و تسلیم شدیم در مقابل طرف مقابل، همه ی مشکلات اقتصادی و مانند اینها حل خواهد شد؛ این خطا است. چرا خطا است؟ چند علت دارد. من مایلم شما جوانهای عزیزمان - هم شما که در این جلسه تشریف دارید، هم قشر جوان فرهمند ما، قشر جوان آگاه ما، جوان پرانگیزی ما، دانشجویان ما، دانش آموزان ما در سرتاسر کشور که من یک وقت گفتم شماها افسران جنگ نرمید - فکر کنید روی این مسائل.

بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان ۹۲/۱۲/۸

### آمریکا! لطفاً تو ساکت باش!

اصل حرفی که آمریکایی ها در این قضیه دارند، حرف ناحقی است. یک کشوری احتیاج به انرژی هسته ای دارد، خودش با تلاش خود، با دنبال گیری خود، بدون اینکه از کسی دزدی کند، بدون اینکه با کسی ساخت و پاخت بکند، توانسته این علم را، این دانش را، این فناوری را برای خود فراهم کند؛ حالا وایستاده اند که نه، نباید. خب چرا؟ این «باید» چه منطقی دارد؟ میگویند ما از بمب هسته ای میترسیم! اولاً تضمین برای جلوگیری از سلاح هسته ای راه های خودش را دارد؛ اشکالی هم ندارد. ثانیاً اگر بنا است که راجع به مسئله ی سلاح هسته ای کسی نگران باشد، آن، آمریکا نیست. آمریکا که خودش چند هزار کلاهک هسته ای دارد، چند هزار بمب هسته ای دارد، و خودش به کار برده؛ خب به شما چه! شما چه کسی هستید که بایستی نگران این باشید که فلان کشور به سلاح هسته ای دست پیدا میکند یا نمیکند؛ وانگهی آن دستگاه هایی که مسئولند، خب بله، میشود تضمین کرد. البته! تضمین هم شده است یعنی روشن است؛ شاید خود آنها هم میدانند. اصل حرف آنها حرف ناحقی است.

بیانات در دیدار مسئولین نظام ۹۳/۴/۱۶

قیمت : ۴۰۰ تومان

#### حمایتی دلواپسانه

چارچوب هایی که می بایست در مذاکرات رعایت شوند



#### غزه ، عراق ، وین

برداشتی آزاد از حضور ۳۰ روزه رئیس دستگاه دیپلماسی در وین و بی توجهی به منطقه



#### روند عقب نشینی

بازخوانی تاریخی مذاکرات هسته ای در سالهای ۸۲ تا ۸۴



#### توافقی دارای ابهامات بسیار

مروری بر توافقنامه ژنو و برخی ابهامات پیرامون آن



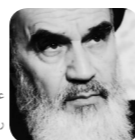
#### تکرار جام زهر و قطعنامه ۵۹۸

سخنرانی حاج سعید قاسمی در همایش «خط قرمز: نه به صنعت هسته ای دکوری» - ۹۳/۴/۲۳



#### تحمیل صلح

بازخوانی صلح امام حسن علیه السلام و تفاوت نگاه رئیس جمهور با امام و رهبری



... of specified information to the IAEA, including information on Iran's plans to enrich uranium, as well as sanctions on associated services, for a period to be determined in a separate agreement.

... of specified information to the IAEA, including information on Iran's plans to enrich uranium, as well as sanctions on associated services, for a period to be determined in a separate agreement.

... of specified information to the IAEA, including information on Iran's plans to enrich uranium, as well as sanctions on associated services, for a period to be determined in a separate agreement.

... of specified information to the IAEA, including information on Iran's plans to enrich uranium, as well as sanctions on associated services, for a period to be determined in a separate agreement.

... of specified information to the IAEA, including information on Iran's plans to enrich uranium, as well as sanctions on associated services, for a period to be determined in a separate agreement.

... of specified information to the IAEA, including information on Iran's plans to enrich uranium, as well as sanctions on associated services, for a period to be determined in a separate agreement.

... of specified information to the IAEA, including information on Iran's plans to enrich uranium, as well as sanctions on associated services, for a period to be determined in a separate agreement.

... of specified information to the IAEA, including information on Iran's plans to enrich uranium, as well as sanctions on associated services, for a period to be determined in a separate agreement.

... of specified information to the IAEA, including information on Iran's plans to enrich uranium, as well as sanctions on associated services, for a period to be determined in a separate agreement.

گره خوردن چرخ زندگی مردم به مذاکره با شیطان، ۴ ماه دیگر هم تمدید پذیر شد